advocate [ˈædvəkeit] v طرفدار

حمایت از طرح یا ایده پشتیبانی یا پیشنهاد آن در جمع است.

→ این گروه از افزایش هزینه های آموزش و پرورش و مدارس حمایت می کرد.

اجازه دادن

تأیید کردن [ˈɔːθəraiz] v مجاز کردن

اجازه دادن به چیزی به معنای اجازه دادن به آن است.

→ شهردار احداث مجسمه جدیدی را در پارک مجاز دانست.

غیرنظامی

civilian [siˈviljən] n. غیرنظامی

غیرنظامی کسی است که در ارتش نیست.

keep این وظیفه تاد بود که از ورود غیرنظامیان به مرکز ارتش جلوگیری کند.

کالا

کالا [kəˈmɒdəti] n. کالا

کالا چیزی است که قابل خرید یا فروش است.

uncle عموی فران بیشتر کالاهای تجارت پول خود را تهیه کرد.

تسخیر

conquest [ɒŋkɒŋkwest] n. تسخیر

فتح واقعه ای است که در آن یک کشور کشور دیگری را تصرف می کند.

→ پس از فتح ، مردم شهر کوچک آزادی نداشتند.

افشا کردن

افشا کردن [disˈklouz] v افشا کردن

افشای چیزی به معنای گفتن آن به شخص دیگری است.

→ جان دیر به خانه آمد ، بنابراین مجبور شد فعالیت های خود را برای همسرش اعلام کند.

پویایی شناسی

dynamics [daiˈnæmiks] n. پویایی شناسی

پویایی وضعیت ، روشی است که بخشهایی از آن بر یکدیگر تأثیر می گذارند.

→ یک روانشناس خوب باید اطلاعات زیادی در مورد پویایی اختلالات مغزی داشته باشد.

ثبت نام کنید

enroll [enˈroul] v. ثبت نام کردن

ثبت نام در چیزی این است که نام خود را به عنوان عضو یک گروه در یک لیست قرار دهید.

→ دانش آموزان باید یک ترم قبل در کلاس ثبت نام می کردند.

حسود

حسادت [əenviəs] adj. حسود

وقتی کسی غبطه می خورد ، چیزی را می خواهد که شخص دیگری داشته باشد.

→ آنها به حیاط جلوی همسایه خود غبطه می خوردند.

رضایت

euphoria [juːˈfɔːriə] n. رضایت

سرخوشی احساس خوشبختی شدید است.

→ این ورزشکار پس از پیروزی در بازی مهم سرخوشی را احساس کرد.

جشن

festive [estivfestiv] اضافه کردن جشن

وقتی چیزی جشن باشد ، شاد و مربوط به یک مهمانی یا جشن است.

favorite قسمت مورد علاقه دین در کریسمس لباس های جشنی است که مردم می پوشند.

مفرح

jolly [ˈdʒɒli] adj. مفرح

وقتی کسی سرحال است ، خوش خلق و خوشحال است.

attitude نگرش سرگرم کننده مادربزرگ من همیشه باعث لبخند من می شود.

عدس

عدس [ˈlentil] n. عدس

عدس لوبیای بسیار کوچکی است که مردم می پزند و می خورند.

→ دانی وقتی شوهرش بیمار بود سوپ مخصوص خود را با عدس درست می کرد.

مارشال

marshal [ˈmɑːrʃəl] v مارشال

برای مارشال یک گروه به معنی جمع کردن آنها به ترتیب است.

→ دانش آموزان را به بیرون مارشیزه کردند و به گروههایی تقسیم کردند.

روحیه

روحیه [mouˈræl] n روحیه

روحیه میزان امیدواری مردم در یک شرایط دشوار است.

mom برای بهبود روحیه خانواده ما ، مادر پیشنهاد کرد که به یک پیک نیک برویم.

رسالت

نبوت [ˈprɒfəsi] n. رسالت

پیشگویی پیش بینی درمورد آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد است.

→ برخی از مردم معتقدند که نبوت در حقیقت درست است.

حکیم

مریم گلی [seidʒ] n. حکیم

حکیم کسی است که بسیار خردمند است.

→ هال همیشه برای کمک با عشق از حکیم محلی دیدن می کرد.

سنا

senate [ˈsenət] n. سنا

سنا در برخی کشورها بخشی از دولت است.

Carol همه کارولین را دوست داشتند و او را انتخاب کردند تا در مجلس سنا به جای آنها صحبت کند.

احساسات

sentiment [ˈsentəmənt] n. احساسات

احساسات عقیده ای است که بر اساس احساسات شما شکل گرفته است.

ess تس به همه سر میز احساسات خود در مورد خوردن گوشت گفت.

نا آرام

unrest [ʌnˈrest] n. نا آرام

ناآرامی حالت عصبانیت در مورد چیزی در میان مردم در یک مکان است.

taxes مالیات های زیاد باعث بیشتر ناآرامی هایی شد که منجر به جنگ انقلابی شد.

پادشاه لیدیان

پادشاه کرزوس زمانی یکی از ثروتمندترین پادشاهان جهان بود. او بر لیدیا ، امپراطوری باستانی واقع در نزدیکی ترکیه امروزی حاکم بود و کالای ارزشمندی را کنترل می کرد: طلا. خیلی ها خیلی به او حسادت می کردند.

یک روز ، یک پیام رسان اخبار جالب توجهی را فاش کرد: ناآرامی های سیاسی در ایران باعث تضعیف امپراتوری شده بود. پیش از آن ، پارسیان بسیاری از کشورها را به دست گرفته بودند. بسیاری از رهبران از فتح پارس ترسیده بودند. اما کینگ کرزوس پویایی جنگ را بهتر از بیشتر درک می کرد. او تصمیم گرفت که زمان خوبی باشد تا سعی کنیم پارسیان را ضعیف کنیم.

او طرفدار شروع جنگ بود ، اما هیچ کس عقیده او را به اشتراک نگذاشت. سپس وی از یكی از اعضای خردمند مجلس سنا كه از آتن به ملاقات می رفت ، پرسید. حکیم نگفت آیا باید به پارسی ها حمله کند یا خیر. او فقط به او هشدار داد که خوش شانسی اش دوام نخواهد آورد.

سرانجام ، پادشاه کرزوس یک پیام رسان به دیدار اوراکل فرستاد ، بانوی خاصی که می توانست٪ آینده را ببیند. پیام رسان کوزه های شراب و سبد عدس را به اوراکل داد تا او را خوشحال کند.

وقتی پیام رسان برگشت ، حال و هوای جشنی داشت.

"پیشگویی اوراکل چه بود؟" از پادشاه کرزوس پرسید.

پیام رسان سرگرم کننده پاسخ داد: "او گفت اگر به ایران حمله کنی ، یک امپراتوری بزرگ را نابود خواهی کرد."

این خبر کرزوس را با سرخوشی پر کرد. پس از شنیدن پیشگویی اوراکل ، بسیاری از غیرنظامیان در ارتش لیدی ثبت نام کردند. پادشاه سپاهیان خود را لشکر کشید و آنها را برای جنگ با ایران آماده کرد. روحیه آنها بالا بود زیرا مطمئن بودند که پیروز می شوند. به زودی پادشاه کرزوس اجازه حمله به پارسیان را صادر کرد.

با این وجود ارتش ایران هنوز بسیار قوی بود. پس از چند ماه جنگ ، آشکار بود که پیشگویی اوراکل به حقیقت پیوسته است: پادشاه کرزوس با حمله به ایرانیان ، یک امپراتوری بزرگ را نابود کرد - خود! کینگ کرزوس باید با دقت بیشتری به توصیه ها توجه می کرد.